info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۶۹۸
چهارشنبه ۱۰ بهمن/ ۱۴۰۳
۲۸ / رجب / ۱۴۴۶
29 / January / 2025

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کافون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۲۸۳۸-۳۲۵۳۴۴۳۳-۰۲۶-۳۲۵۳۰۱۰۱ فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۶۷/۸۰
چاپ: کارگر

امروز ۱۲۰

امروز با حافظ

خوش آمد گُل وز آن خوش‌تر نباشد
که در دستت به جز ساغر نباشد
زمانِ خوش‌دلی دریاب و دُر یاب
که دایم در صدف گوهر نباشد

خوانش

هر دل که ز خویشتن فنا گردد
شایسته قرب پادشا گردد
عطار

اذان

اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۵:۴۰	۰۷:۰۷	۱۲:۲۰	۱۷:۳۱	۱۷:۵۰

برگه

زندگی را باید زندگی کـرد و نه کنترل وَ انسانیت با مواجه شدن مداوم با شکست‌ها پیروزمی‌شود...

رالف الیسون

گزارش روز

همه آن چیزی که از پهپاد غزه باید بدانیم

پهپادها امروزه جایگاه مهمی در مجموعه قدرت نظامی کشورهای مختلف دنیا کسب کرده‌اند و کشور ما هم به همین واسطه پیشرفت سریعی را در این زمینه داشته است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از جام‌جم، نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۷ بهمن در عملیاتی ترکیبی که در حاشیه رزمایش اقتدار پیامبر اعظم(ص) برگزار شد، برای نخستین بار ۸ هدف را با پهپاد غزه به طور دقیق منهدم کرد. پهپادی که از زمان رونمایی اولیه از آن در بهار ۱۴۰۰ بیش از ۳ سال گذشته و حالا با بهبود عملکرد و توسعه آن به مرحله اجرا رسیده است.

ساخت پهپادهای ایرانی از دوران جنگ تحمیلی و با پهپادهای «تلاش» و «هماجر۲» آغاز شد و پس از جنگ با توسعه توان پهپادی، شاهد تولید پهپادهای هدف‌شناسایی ورزمی متعددی توسط وزارت دفاع و نیروهای مسلح در کشورمان بودیم. ایران به دلایل مختلف، تاجاریه توسعه و گسترش توان رزم پهپاد در حوزه‌های مختلف بوده است.

پهپادها امروزه جایگاه مهمی در مجموعه قدرت نظامی کشورهای مختلف دنیا کسب کرده‌اند. این وسائل با تکیه بر توان اجرای عملیات در شب و روز در مناطق دور و نزدیک بر ضد اهداف ساکن و متحرک و در تمام شرایط آب و هوایی و امکان پروازهای هدایت شونده از دور و یا تمام خودکار، دستاوردهای نظامی و سیاسی بسیار مهمی را در منازعات نظامی سال‌های اخیر بدست آورده‌اند.

از مهاجر، لیلیل، مهراج و کمان نافطرس، صاعقه، شاهد و حالا غزه بخشی از توان پهپادی متنوع جمهوری اسلامی ایران است. توانی که هر روز با تغییر کردن شرایط و پیشرفت تکنولوژی خود تغییر پیدا می‌کند و با توسعه، طرح و برنامه ریزی دقیق خود را در مسیری که هدف نیروهای مسلح کشورمان است نگه می‌دارد.

مقدار آن چه که در روزهای گذشته از پهپاد غزه دیدیم، پهپادی که حالا از مهمترین تجهیزات و پهپادهای کشورمان محسوب می‌شود.

این پهپاد می‌تواند با ارتفاع پروازی ۳۵ هزار پا یا به عبارت دیگر ۱۰۶۶۸ کیلومتر، طول دنطه ۲۲ متر، برد عملیاتی ۲ هزار کیلومتر، شعاع عملیاتی معادل ۴۰۰۰ کیلومتر، توان حمل ۱۳ بمب در یک مفوریت رزمی یا ۵۰۰ کیلو تجهیزات شناسایی، جمع آوری اطلاعات و جنگ الکترونیک و مداومت پروازی ۳۵ ساعت به عملیات می‌پردازد.

یک نکته مهم در خصوص این پرنده بدون سرنشین این است که به احتمال قریب به یقین به افزایش بسیار بالای بحث ارتفاع پروازی و توان حمل در پهپاد غزه، شاهد استفاده از یک موتور توربوپراپ در این پرنده هستیم که در این کلاس از پرنده‌های بدون سرنشین، نقطه نهایی و به عبارت دیگر لبه فناوری به حساب می‌آید.

در عین حال، ارتفاع پروازی بالای ۱۰ کیلومتر به راحتی این پهپاد را از گزند تمام سامانه‌های دفاع هوایی کوتاه برد خارج کرده و خصوصا در شرایط نبردهای تجربه شده در منطقه منل سوریه و عراق، می‌تواند یک گزینه مهم و قابل توجه باشد چراکه نیروهای دشمن حتی قدرت‌های فرامنطقه‌ای حاضر در اطراف کشورمان، حتی در صورت مجهزبودن به پیشرفته‌ترین سیستم‌های پدافندی کوتاه برد و حتی شناسایی این پهپاد توان رسیدن به ارتفاع پروازی آن را ندارند.

در وضعیت عملیات‌های شناسایی نیز به صورت کلی این پهپاد توان حمل نیم تن محموله یا ۱۳ بمب را داشته، برد پهپاد غزه ۷۰۰۰ کیلومتر است و می‌تواند تا شعاع ۵۰۰ کیلومتری خود را تحت اسکن و شناسایی داشته باشد. در عین حال نوع طراحی پخش کننده‌ی مانند جلوی این پهپاد نیز نشان می‌دهد که بحث هدایت ماهواره‌ای که پیش از این در مدل ارتقاء یافته پهپاد شاهد ۱۲۹ مطرح شده بود در پهپاد غزه نیز وجود دارد و احتمالا تکامل پیدا کرده است.

امروز جمهوری اسلامی ایران یکی از گسترده‌ترین و متنوع‌ترین توکان‌های پهپادی منطقه را دارا است. توکانی متشکل از پهپادهایی با طرح‌های صد درصد بومی تا پهپادهایی مهندسی معکوس شده که طی سال‌های اخیر به طرق مختلف در اختیار نیروهای مسلح قرار گرفته است. این مسئله جمهوری اسلامی ایران را از نظر تنوع و گستردگی کاربری پهپادها در کنار قدرت‌های پهپادی نظیر ایالات متحده و بریتانیا قرار داده است.

اشاره

دولت پزشکیان با چه شرایطی روبه‌روست؟

در اوایل کار آقای پزشکیان، نشانه‌های خوبی از سطح قابل قبولی از اجماع و وفاق و همراهی با رئیس‌جمهور از جمله رأی اعتماد به تمام اعضای کابینه از طرف مجلس، بروز کرد، اما با گذشت زمان، این نشانه‌ها نخفط کمرنگ شد بلکه امروزه ستیزجویی علنی با دولت و نمایندگان آن از سوی برخی نیروهای درون حاکمیت، به وضعیتی بدتر از نور دوم ریاست‌جمهوری آقای روحانی رسیده است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از همه‌میهن، روزی که سید ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهوری سیدمحمد خاتمی را سبب ظهور «حاکمیت نوگلانه» در ایران دانست، بعید می‌دانم ارائهٔ مفهومی مثبت از این عبارت مرادش بوده باشد. نخستین ویژگی «حاکمیت»، یگانه بودن آن است، زیرا همین ویژگی آنکه دستگاه دولت را کارآمد می‌کند، حاکمیت نوگلانه یا چندگانه به جز در دوران «گذار» از یک حاکمیت به حاکمیت دیگر، اساساً وضعیتی مخرب است و مایهٔ نزاع درون سیستمی و در نتیجه ناکارآمدی ماشین دولت و لبالبت بحران در جامعه می‌شود.

اینکه چرا امکان ظهور «حاکمیت نوگلانه» در ایران وجود دارد، بحث نظری مبسوطی را طلب می‌کند، اما نوعی تفسیر از قانون اساسی که بر دوئتی بودن یا ثنویت منبع مشروعیت حکومت انگشت می‌گذارد، مهمترین علت این امر است. با این حال، «حاکمیت نوگلانه» به‌رغم مضمون منفی آن به پاره‌ای سوءتفاهمات سیاسی در جامعهٔ ایرانی دامن زد؛ به‌طوری که برخی از اصلاح‌طلبان آن را پدیده‌ای مثبت پنداشتند و بر همین اساس، منازعهٔ رئیس‌جمهور با سایر ارکان قدرت را ترغیب و تشویق کردند بدون آنکه به اثرات آن بر کارآمدی دولت به خوبی بیاندیشند.

در سوی دیگر ماجرا، اصولگرایان نیز که خود یکی از عوامل اصلی دوگانه شدن حاکمیت بودند، به جای تلاش در جهت یگانه کردن آن، روی صورت لفظی و ظاهری این پدیده حساسیت فوق‌العاده نشان دادند و موضوع را به سرعت امنیتی کردند.

به هر حال، ناکامی‌ها و خطرات ناشی از دور نوم ریاست‌جمهوری حسن روحانی، بخش مهمی از جامعه را متقاعد کرد که «حاکمیت دوگانه» به معنای ایجاد نوظهوری و یا نزاع بین قوهٔ مجریه با سایر نهادهای حاکم، تنها ثمرش بنجر شدن چرخ دولت و ناتوانی آن در حل مشکلات فراوری جامعه است و بنابراین، یک بار برای همیشه باید از آن خداحافظی کرد. در وقع همین طیف از جامعه در انتخابات سال ۱۴۰۰ شرکت نکرد تا با پیروزی مرحوم سیدابراهیم رئیسی در انتخابات و یکدست شدن قدرت، کشور از قفل و بلاتکلیفی دوگانگی حاکمیت رهاشود.

فوت غیرمترقبهٔ مرحوم رئیسی اما کشور را بار دیگر در معرض انتخابات قرار داد. تجربه‌های گذشته پیش رو بود و کمتر کسی گمان می‌کرد که شورای نگهبان با تأیید صلاحیت فردی با دیدگاه‌های انتقادی نسبت به سیاست‌های جاری، بار دیگر زمینه‌ساز بروز پدیدهٔ حاکمیت دوگانه شود.

برخلاف انتظار عمومی اما شورای نگهبان نام مسعود پزشکیان را در بین نامزدهای تأییدصلاحیت شدهٔ ریاست‌جمهوری اعلام کرد. مسعود پزشکیان از منتقدان بسیاری از سیاست‌ها و رویه‌های جاری در کشور بود و در جریان تبلیغات انتخاباتی، با صراحت کامل نظرات خود را از طریق تریبون صداوسیما به جامعه منتقل کرد.

این اتفاق، نوعی سردرگمی در بین تحلیل‌گران سیاسی ایجاد کرد. آنها از خود می‌پرسیدند که اگر آقای پزشکیان مصمم به اجرای وعده‌ها و نظرات خود باشد، آیا بار دیگر صورتی از حاکمیت دوگانه در کشور ظهور نخواهد کرد؟ با این حساب، پس چرا شورای نگهبان صلاحیت او را تأیید کرده است؟ مگر شورای نگهبان و نهادهای مؤثر در تصمیم‌گیری‌های آن، عاقل‌هایی به تکرار حاکمیت دوگانه و ناکارآمد شدن دولت پیدا کرده‌اند؟ پاسخ به این پرسش به طور قاطع منفی بود، زیرا تاظرانِ سیاسی از حساسیت دستگاه‌های رسمی نسبت به پدیدهٔ حاکمیت دوگانه و حتی استفاده از این لفظ بی‌خبر نبودند.

بنابراین، شماری از تحلیل‌گران به این نتیجه رسیدند که با تأیید و پیروزی آقای پزشکیان در انتخابات، قرار نیست تجربهٔ تلخ دوگانه شدن حاکمیت در کشور تکرار شود. این تصور، به طور طبیعی، پیش‌فرض‌های ضروری نهفته در بطن خود را نیز به همراه داشت بخصوص این پیش‌فرض که عموم دستگاه‌های حاکم، خود را برای همراهی با رویکرد آقای پزشکیان آماده کرده‌اند و به همین جهت، پیروزی او در انتخابات، نخفط سبب ظهور پدیدهٔ حاکمیت دوگانه نمی‌شود بلکه فرصتی تاریخی برای وفاق و اجماع درون حکومتی به منظور تغییر سیاست‌ها و حرکت در جهت حل مشکلات بنیادی جامعه به وجود می‌آورد.

قاعدتاً این فرض برای بسیاری از شهروندانی که ضمن نارضایتی عمیق از وضع موجود، مخالف تکرار تجربهٔ شکست‌خوردهٔ حاکمیت دوگانه و در عین حال، نگران از بروز بی‌ثباتی و هرج و مرج در جامعه بودند، بسیار وسوسه‌برانگیز شد به همین دلیل آنان عزم خود را جزم کردند و در دور نوم انتخابات به رغم تبلیغات زهرآلود شبکه‌های خارج از کشور، با دادن رأی به آقای پزشکیان موجب پیروزی او بر رقیبش شدند.

در اوایل کار آقای پزشکیان، نشانه‌های خوبی از سطح قابل قبولی از اجماع و وفاق و همراهی با رئیس‌جمهور از جمله رأی اعتماد به تمام اعضای کابینه از طرف مجلس، بروز کرد، اما با گذشت زمان، این نشانه‌ها نخفط کمرنگ شد بلکه امروزه ستیزجویی علنی با دولت و نمایندگان آن از سوی برخی نیروهای درون حاکمیت، به وضعیتی بدتر از نور دوم ریاست‌جمهوری آقای روحانی رسیده است.

نمونهٔ واضح این ستیزجویی را می‌توان در واکنش‌های مربوط به حضور محمدجواد ظریف معاون امور استراتژیک رئیس‌جمهور در اجلاس داووس و اظهارات او در آنجا ملاحظه کرد.

روشن است که آقای ظریف به تصمیم شخص خود به داووس نرفته است. روشن است که او طبق میل شخصی خود در آنجا اظهارنظر نکرده است. روشن است که او نظرات رئیس‌جمهور و دستگاه دولت را در اجلاس داووس مطرح کرده است. با این حساب، این میزان حمله و هتاکی و تهدید علیه او از سوی افرادی با موقعیت رسمی در نهادهای حاکم نشانهٔ چیست؟ آیا جز این است که بازتولید حاکمیت دوگانه را در ذهن جامعه زنده می‌کند؟

با حاکمیت دوگانه تخفط هیچ مشکلی از کوه مشکلات این جامعه قابل حل نیست بلکه عمده وقت و انرژی دولت، باید معطوف معضلاتی شود که در ناخل مجموعهٔ حاکمیت برایش ایجاد می‌شود. چنین روندی بسیار خطرناک و بحران‌آفرین است.

در ماه‌های اخیر، بخش بزرگی از فعالیت دولت مصروف خنثی‌سازی ایلاغ قانون حجاب و عفاف و رفع فیلترینگ شده است، یعنی دو مشکلی که بخش دیگری از حاکمیت برای آن به وجود آورده است! شاید دولت از این جهت خود را تا اندازه‌ای موفق هم ببیند، اما اشتغال به خنثی‌سازی برنامه‌های بخشی از حاکمیت حتی اگر موقت! آمیز هم، اشتد به معنای حل مشکلات عینی جامعه و جلوگیری از تلبار شدن آنها نیست و موجب کنترل بحران‌های موجود نمی‌شود.

مخالفان دولت در درون حاکمیت، آن را صرفاً در خدمت علایق و منویات خود می‌خواهند تحقق علایق و منویات آنان بود باید کلیدهای خودشان رأی می‌آورد و یا آقای پزشکیان را ملاحظت می‌شد. هیچ رئیس‌جمهور و دولتی در هر کجای عالم نه حاضر است و نه می‌تواند برنامه‌های خود را رها و برنامه‌های جناح و گروه رقیب و مخالف خود را اجرا کند.

بنابراین، اصرار بر این موضوع جز دامن زدن به نزاع درون سیستمی و نمایش دوگلگی در حاکمیت و تلف شدن وقت و انرژی دولت و ناکارآمد شدن آن، هیچ اثر دیگری ندارد. ناکارآمد شدن دولت هم در درجهٔ نخست نوشش به چشم جامعه و کشور و خود دولت می‌رود و به همین علت، نباید به آن تن در دهد.

به هر حال، آقای پزشکیان با وعده‌های مشخص از مردم رأی گرفته است. باید از طریق همراهی و همکاری سایر قوا و ارکان قدرت، در جهت تحقق آنها حرکت کند و با در کمال مسالمت‌جویی به سر کار قبلی خود بازگردد.

احمدزیدآبادی

مکث

فارغ‌التحصیلان بی کار و بی‌سوادان شهری؛ دو روی یک سکه!

آمارهای جدید از تحصیلات خلوارهای شهری ایران حاکی از رشد آموزش علی و چالش‌های جدی بی‌سوادی و بیکاری فارغ‌التحصیلان است. راهکار چیست؟

به گزارش پیام آشنا به نقل از نورنیوز، آمارهای رسمی از وضعیت تحصیلی خلوارهای شهری ایران در سال ۱۴۰۲ نشان‌دهنده پیشرفت‌های قابل توجه در دسترسی به آموزش و ارتقای سطح سواد عمومی است. طبق داده‌ها، ۴۳ درصد از جمعیت شهری دارای تحصیلات راهنمایی و متوسطه بوده و ۲۴ درصد به مدارج دانشگاهی نست یافته‌اند. بااین‌حال، چالش بی‌سوادی همچنان باسهم ۲/۹ درصدی از جمعیت وجود دارد.

رشد تحصیلات دانشگاهی و چالش‌های بازار کار

افزایش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی یکی از دستاوردهای نظام آموزشی ایران است. اما بسیاری از این فارغ‌التحصیلان با مشکل جذب در بازار کار مواجه هستند. عدم تطابق بین نظام آموزشی و نیازهای بازار کار، باعث افزایش نرخ بیکاری در برخی رشته‌ها شده است. این مسئله لزوم بازنگری در سیاست‌های آموزشی و پیوند بیشتر آن با نیازهای اقتصادی را برجسته می‌کند.

تمرکز بر مقاطع راهنمایی و متوسطه

بیشترین سهم تحصیلی در میان خلوارهای شهری به مقاطع راهنمایی و متوسطه تعلق دارد. این امر می‌تواند ناشی از عوامل اقتصادی، فرهنگی یا عدم تمایل به ادامه تحصیل در دانشگاه باشد. بهبود کیفیت آموزش در این مقاطع و ارائه مهارت‌های عملی می‌تواند نقش مؤثری در افزایش توانمندی‌های نیروی کار داشته‌باشد.

چالش بی‌سوادی در مناطق شهری

بی‌سوادی، اگرچه کاهش یافته، اما همچنان یک معضل جدی در میان گروه‌های سنی بالا و مناطق کمتر توسعه‌یافته است. تمرکز بر اجرای برنامه‌های سوادآموزی هدفمند و طراحی طرح‌های ویژه برای گروه‌های خاص، از اقدامات ضروری برای کاهش این نرخ است.

ضرورت برنامه‌ریزی جامع برای توسعه پایدار

رشد تحصیلات دانشگاهی و کاهش بی‌سوادی از دستاوردهای مهم سال‌های اخیر بوده است. بااین‌حال، برای دستیابی به توسعه پایدار، باید به هماهنگی بیشتر بین آموزش و نیازهای بازار کار و رفع نابرابری‌های آموزشی در مناطق کمتر توسعه‌یافته توجه کرد. آموزش مهارت‌های کاربردی و اصلاح محتوای درسی، گامی کلیدی برای تضمین آینده‌ای روشن در این حوزه است.

برش

مرگی که در استادیوم آزادی کسی ندید!

فارغ از جذابیت‌های بصری مسابقه دو تیم پرسپولیس و تراکتور در خلال برگزاری یک فوتبال مهیج، بیرون از زمین چمن و روی سکوها اتفاقاتی رخ داد که واژه‌ای جز «مرگ اخلاق» را نمی‌توان برای آن به کار برد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از مشرق، هنوز چند روزی از یکی از تلخ‌ترین و سیاه‌ترین هفته‌های تاریخ فوتبال ایران سپری نشده بود که دیدار پرسپولیس و تراکتور نشان داد هجمه‌ها و انتقادات و واکنش اهالی رسانه به این بی اخلاقی‌ها تاثیری روی رفتار تماشاگرنماها (که دیگر تعدادشان از معدود تماشاگران واقعی بیشتر شده!) نداشته است. یکشنبه شب اخلاق در آزادی ذبح شد و لن مرگ را در هیاهوی بازی کسی ندید!

علی رغم مشخص شدن تعداد بلیت تخصیص داده شده به هواداران هر کدام از تیم‌ها، سامانی پیش از شروع این مسابقه ویدیوی شکستن نرده‌های بخش غربی درب ورزشگاه آزادی و ورود بی‌نظم و انضباط هواداران بدون بلیت تراکتور به استادیوم آزادی چهره زشتی از ورود مهمانان تبریزی به ورزشگاه را به نمایش گذاشت.

در روزی که می‌توانست یکی از خاطره انگیزترین مسابقات فوتبالی در لیگ برتر جاری باشد، متاسفانه پخش این تصاویر و البته لحظات تأسف بار دیگری در طول مسابقه و پایان آن باعث شد تا چهره ناخوشایندی از یکی از زیباترین مسابقات فوتبالی لیگ برتر پیش روی حاضران در ورزشگاه و حتی آنهایی که بیرون از استادیوم حضور داشتند به نمایش گذاشته شود.

جدا از نحوه ورود طرفداران تراکتور به ورزشگاه و اتفاقات عجیبی که دور از شأن لیگ حرفه‌ای فوتبال کشورمان است فحاشی طرفداران دو تیم از لحظه حضور بازیکنان در زمین برای گرم کردن تا بعد از مسابقه علیه شاگردان کریم باقری و اسکوچیچ و نیز به هواداران رقیب، از دیگر نقاط سیاه مسابقه تیم‌های تهرانی و تبریزی بود.

این اتفاقات زشت که پس از هفته سیاه لیگ برتر و نیز توهین زشت و رکیک به ساحت مادر خطاب به برخی از اهالی فوتبال در چند وقت اخیر صورت گرفت و موجب شد تا دوباره درباره سقوط آزاد اخلاق در استادیوم‌ها انتقادات زیادی در صفحات مجازی و رسانه‌ها منتشر شود.

بخش دیگری از اتفاقات تلخ این مسابقه پرتاب سنگ و بطری و اشیای سخت مانند صندلی‌ها و حتی خاک لندا از سوی تماشاگران این دیدار به سمت یکدیگر و داخل زمین بود. پرتاب اشیایی که برخی از آنها حلوی نجاست بود و شکل زشت این حوالتی را زشت‌تر هم کرد.

شنیدن الفاظ بسیار رکیکی که در صورت انتشار فیلم‌های آن باید از ابتدا تا پایان روی تک تک آنها بوق گذاشت؛ حرکات و توهین‌هایی زشت و شنیع از سوی هواداران به یکدیگر به ویژه رو به بخش استقرار بلوان و البته از سمت سکوی بلوان به سمت اقابال!

حرکات زننده و الفاظ زشت و غیر اخلاقی که البته آنها را در پیج‌های اینستاگرامی و دعواهای خیابانی به شکلی رقیق‌تر می‌توان مشاهده کرد و این نشان از رسوخ بی‌فرهنگی و بی‌اخلاقی در بطن جامعه و به ویژه نوجوانان و جوانان کشوری است که ادعای سابقه طولانی فرهنگ و تمدن دارد! غم انگیز اینکه پرتاب همین اجسام سخت باعث شد افراد زیادی آسیب ببینند و به گفته سخنگوی ورزشی این مسابقه ۳۲ مصدوم که ۳ تن از آن‌ها خانم بودند بر جای گذاشت.

دو تن از تماشاگران به شدت دچار مصدومیت شدند و یکی از آنها در کنار زمین فوتبال به دلیل شدت ضربه به جمجمه‌اش تشنج کرد.

در نهایت آنچه از این مصاف برجای ماند گرچه سه امتیاز شیرین برای پرسپولیس و خوشامدگویی قابل توجهی به کارتال امرمربی ترکیه ای تازه وارد پرسپولیس، بود اما حواشی پررنگ آن ورق سیاه دیگری را به صفحات تلخ کتاب فوتبال اضافه کرد.

قطعا این آخرین بار نبود و تجربه به ما می‌گوید این رفتارها نه تنها کم نمی‌شود بلکه شاید بر شدت آن افزوده هم شود و تلف بار اینکه هیچ عزمی جدی جز جریمه مالی (که برای فدراسیون سود دارد) و محرومیت‌های مقطعی و تعلیقی برای برخورد با عوامل این بی اخلاقی‌ها دیده نمی‌شود.

دیدگاه

این یک معادله ریاضی نیست!

کابینه نتانیاهو، اکنون در حال تبدیل به کابینه‌ای حداقلی و بحران‌زده است که دیگر توجیهی برای ادامه حیات سیاسی آن در تل‌آویو وجود ندارد. انحلال و به عبارتی گویاتر، انهدام این کابینه به سبب سردرگمی و خشم عمومی ناشی از معادلات برهم‌ریخته داخلی در سرلسر اراضی اشغالی در دوران پساجنگ غزه امری مسجل خواهد بود، باقی مانده صوری اسموتریچ در کابینه نتانیاهو، صرفا می‌تواند چند روزی این مرگ حتمی را به تاخیر بیندازد و دیگر هیچ!

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا، کاملاً قابل پیش‌بینی بود که متعاقب پذیرش پیمان آتش‌بس غزه، اختلافات داخلی در کابینه نتانیاهو به نقطه اوج خود خواهد رسید و بن‌گویر، وزیر امنیت داخلی این رژیم به‌واسطه شکست، از سمت خود کناره‌گیری می‌کند. در روزهای اخیر، نتانیاهو مذاکرات پنهانی و آشکار زیادی با وزرای امنیت داخلی و دارایی خود (بن‌گویر و اسموتریچ) در کابینه ائتلافی داشته و از این دو خواسته است تا با هدف استمرار فعالیت ائتلاف موسوم به راست‌گرایان اسرائیل، در صحنه باقی بمانند. با این حال بن‌گویر و هم‌حزبی‌هایش کابینه را ترک کردند. در این میان، نتانیاهو به اسموتریچ تعهد داده پس از پایان مرحله ۴۲ روزه اول آتش‌بس، جنگ در غزه را از سر خواهد گرفت، اما بن‌گویر هنوز در این خصوص قانع نشده است. سیگنال‌هایی که از واشنگتن به تل‌آویو مخابره می‌شود، نشان می‌دهد نتانیاهو قدرت ملورد کی در قبال سرنوشت نهایی جنگ غزه دارد، همچنان که تلاش وی برای برهم زدن آتش‌بس به بهانه طرح درخواست‌های جدید حماس نیز با ناکامی مواجه شد.

در این میان، رسانه‌های صهیونیستی و غربی در یک عملیات از پیش تعیین‌شده، جملگی مدعی شده بودند حتی اگر بن‌گویر و جریان موسوم به صهیونیسم ملی از کابینه خارج شوند، ائتلاف کنونی تنها شانس کرسی را در پارلمان رژیم صهیونیستی (کنست) از دست خواهد داد و در نتیجه، تعداد کرسی‌های ائتلاف از ۶۸ نفر به ۶۲ نفر خواهد رسید. بر این اساس، کابینه نتانیاهو به سبب کسب دو کرسی بیش از ۶۰ کرسی لازم جهت تشکیل و استمرار حیات کابینه، درصدد قدرت باقی خواهد ماند. همان‌گونه که مشخص است، رسانه‌های غرب و رژیم اشغالگر قدس درصدد تبدیل یک معادله راهبردی ـ سیاسی به یک معادله ریاضی هستند! باید توجه داشت که شرایط فرامنتی حاکم بر یک معادله با جنجال سیاسی، با ضرب و تقسیم یا جمع و تفریق در علم ریاضیات تفاوت دارد! این قاعده در خصوص بحران‌های داخلی ناشی از انعقاد پیمان آتش‌بس غزه در اراضی اشغالی نیز صادق است.

اکنون نتانیاهو از یک‌سو به اهداف اعلامی خود در جنگ غزه دست نیافته و از سوی دیگر، طبق نظرسنجی‌های صورت‌گرفته در اراضی اشغالی، اکثریت صهیونیست‌ها نتانیاهو و کابینه جنگ را بازنده نبرد با مقاومت فلسطین قلمداد می‌کنند. آغاز رسمی تحقیقات مربوط به حادثه طوفان الاقصی نیز مسیر تنفس مسموم نتانیاهو و اسموتریچ را محدود خواهد ساخت. البته این در صورتی خواهد بود که اسموتریچ و جریان صهیونیسم مذهبی زودتر از موعد مقرر (پایان مرحله نخست آتش‌بس) از کابینه به‌صورت خودخواسته خارج نشوند.

کابینه نتانیاهو، اکنون در حال تبدیل به کابینه‌ای حداقلی و بحران‌زده است که دیگر توجیهی برای ادامه حیات سیاسی آن در تل‌آویو وجود ندارد. انحلال و به عبارتی گویاتر، انهدام این کابینه به سبب سردرگمی و خشم عمومی ناشی از معادلات برهم‌ریخته داخلی در سرلسر اراضی اشغالی در دوران پساجنگ غزه امری مسجل خواهد بود، باقی مانده صوری اسموتریچ در کابینه نتانیاهو، صرفا می‌تواند چند روزی این مرگ حتمی را به تاخیر بیندازد و دیگر هیچ!

حنیف غفاری
کارشناس مسائل بین‌الملل